

تلویزیون، خطری برای دموکراسی

محمد معماری

maria67@yahoo.com

تجربت الشعاع تاثیر اجتناب ناپذیر امواج تلویزیونی است که در بین اقسام وسایل ارتباط جمعی که تر قالب ساختارهای رسانه‌ای، شکل‌های غیرمستقیم اجمالی قدرت در جوامع مدرن را ضرورت می‌بخشد



کارکردی بی‌بدیل یافته‌اند. بنابراین در آرایه هر نوع تحلیل از کنش‌ها و سمت‌گیری‌های افکار عمومی در سطح جهانی و بنابراین موقعیت‌های خاص در حوزه‌های منطقه‌ای و بومی می‌بایست که نقش و کارکرد رسانه‌ها و خصوصاً تلویزیون مورد ارزیابی قرار گیرد. چرا که مسلماً با توجه به گستردگی و جذابیت خیره‌کننده تلویزیون در سطح کل جوامع هر نوع تحلیل و نتیجه‌گیری بدون در نظر گرفتن دامنه تاثیرگذاری آن دارای خطا و سطحی‌نگری خواهد بود.

در بررسی قدرت کارکرد و تاثیرگذاری تلویزیون در جوامع معاصر باید تفاوت در میزان قدرت جذب مخاطب و میزان بهره‌گیری از تکنولوژی‌های روز جهانی در حفظ آنها را که یافته‌های کمال‌های مختلف تلویزیونی از لحاظ کیفی و کمی می‌شود را

و لیبرالیسم و بحالت اجتماعی و آزادی مدنی از پیش می‌کنند و از قدرت فراگیر و غیر قابل محدود آن که قابلیت استحاله و تحریف هر نوع اندیشه و ایده‌ای را در راست ساختن به میان می‌آورند. مطلوب‌های تلویزیون، اینترنت، سیمه شبکه‌های ماهواره‌ای و گاهلی جزو گونه‌های رسانه‌ای جهانی حاضر هستند که تحریف هر یک از آنها عمق رسیده سالاری را که تحریف و وارفتگی حقایق یکی از آرمان‌های جهان‌آنها هستند را نشان خواهد داد. اکنون عمق اثرگذاری رسانه‌ها به اندازه‌ای رسیده یافته‌است که حتی می‌توان رسانه‌ها را به عنوان یکی از بهترین‌های طبیعت جریان هست موزن عمر بشری کرد که با حرکت از فرایند مخابراتی سازی که در واقعیت را بنیان نهاده است و با مملو کردن فضای باران تصاویر دنیای مجازی شده را بی ریزی کرده و جهان پسا مدرن را قوام بخشیده است. پس انسان معاصر چه بخواهد و چه نخواهد اسیر رسانه‌هاست و این رسانه‌ها هستند که با توجه به گستردگی و فراگیری و قدرتی که در جذب و انحصار مخاطب دارند ذهن و شخصیت و عقیده و تفکر مخاطب را شکل و جهت می‌بخشند. اما اگر در بین مادیوم‌های مختلف رسانه‌ای موجود و فعال در دنیای کنونی به دنبال تاثیرگذارترین و پر مخاطب‌ترین گونه آن بگردیم بی‌تردید تلویزیون به عنوان فراگیرترین و عمومی‌ترین گونه رسانه‌ای مورد شناسایی قرار خواهد گرفت که از نظر گستردگی تنوع و مخاطب و میزان تاثیر و همراهی که بر مخاطب خود می‌گذارد قابل قیاس با هیچ یک از انواع گونه‌ای رسانه‌ای نمی‌باشد. بنابر این هر نوع کنش و تحول سیاسی و اجتماعی در جهان معاصر لاجرم

جهانی که در آن به سر می‌بریم و فضایی که در آن زندگی می‌کنیم واحد خصوصیات پیچیده و رولها برینجی شده‌است که هر روز در دامنه و ابعاد آن افزوده می‌گردد و عمق پیچیدگی و دشواری حرکت در آن روزه‌روز عیان‌تر می‌شود. انسان عصر حاضر که دچار پارادایم مدرنیته است و هیچ مفر و گریزی را نیز از آن قابل حصول نمی‌یابد اسیر ناخود آگاه ابزارها و ابزارهای آن گردیده است که به صورت شیخ وار هیات هستی او را تحت تاثیر قرار داده است. پیشرفت تکنولوژیکی خیره‌کننده حاصل از عصر روشنگری که در نتیجه علم مجوری رشد یافته در دامن مدرنیته حاصل شده است اکنون همه جوانب زندگی انسان در آغاز هزاره سوم را تحت الشعاع قرار داده است به گونه‌ای که تکنولوژی و تيمات آن جز لاینفک هر نوع الگوی فکری در حوزه تفویک و الگوی عملی در حیطه پراتیک گردیده است. رسانه‌ها به عنوان یکی از مظاهر مدرنیته که به لحاظ تنوع در نوع ساختار و بهره‌گیری از تمامی ابزار تکنولوژیکی به عنوان غول‌های قدرت نوین جهانی مطرح شده‌اند یکی از همان ویژگی‌های جهان مدرن هستند که به نظر می‌رسد بشر معاصر هیچ اختیاری در اجتناب از آن نخواهد داشت و لاجرم و ناخودآگاه مخاطب آن قرار خواهد گرفت. رسانه‌های عصر نوین که بنا بر اصل کسب هزمونی و قدرت و اقتتار جهانی بر مبنای اجامله بر تولید و توزیع اطلاعات شکل گرفته‌است جایگاهی بی‌بدیل یافته‌اند و به دلیل برخورداری از کثرت مدیوم و گونه‌ها هر نوع طرز تفکر و علاقه‌ای را پوشش می‌دهند در واقع تبدیل به حاکمان واقعی و نامریی جهانی شده‌اند و با در اختیار گرفتن آخرین دست‌آوردهای تکنولوژیکی بشر و با استفاده از به روزترین نظریه‌های روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات و علوم سیاسی توانسته‌اند سایه سنگین خود را جهان گستر سازند.

اهمیت و کارکرد رسانه‌ها تا به حدی چشمگیر شده است که اکنون نظریه‌پردازان علوم سیاسی و اجتماعی رسانه‌سالاری را به عنوان بدیل و حتی خطری برای آرمان‌های عالی بشری نظیر دموکراسی

**بایکوت خیری تحصن گسترده
نمایندگان مجلس در اعتراض
به رد صلاحیت کاندیداها
غیر قابل تصور بود**

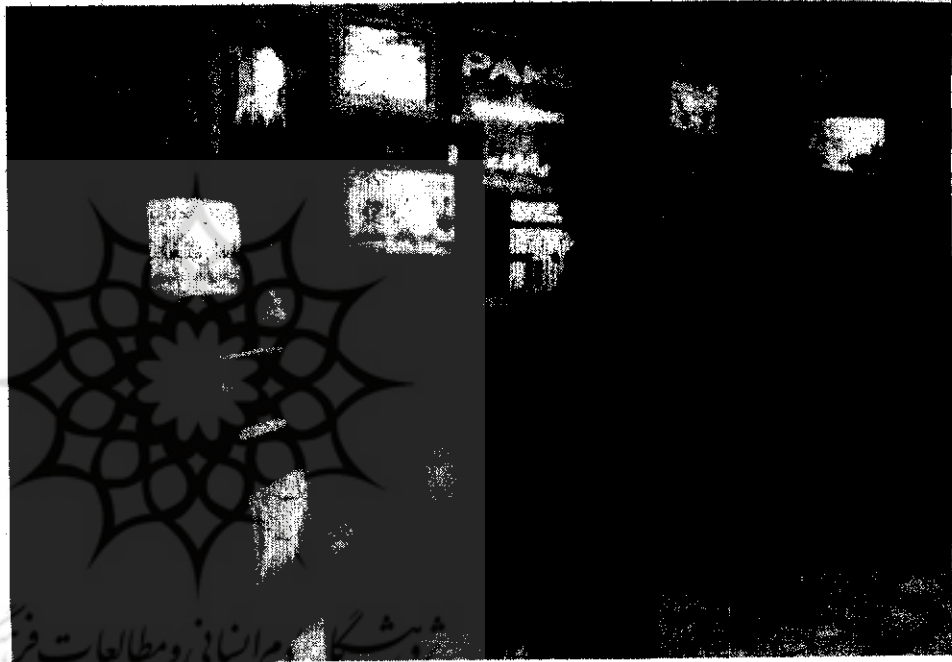
در نظر گرفت اما با این وجود تلویزیون با هر سائز قدرت و میزان محبوبیتی که در جوامع مختلف داراست بیشترین تاثیر گذاری را در بین رسانه‌های ارتباط جمعی داراست و از این حیث قابل تامل و بررسی است.

جوامع کنونی جهان را به لحاظ میزان تاثیر پذیری و تحولاتی که در نتیجه احاطه تلویزیون بر افکار عمومی شان روی می‌دهد را می‌توان از طریق دو پارامتر عمده که به لحاظ جامعه‌شناسی نیز کامل و همه جانبه هستند مورد ارزیابی و تمایز

است. هر چقدر سطح سواد (به معنای عام کلمه و نه صرفاً مفهوم آکادمیک آن) و به تبع آن آگاهی یک جامعه بالا باشد قدرت تشخیص و سطح سلیقه افراد نیز بالا خواهد بود که در نتیجه نوع مطالبات و سطح سلیقه افراد در مقابله با تلویزیون افزایش خواهد یافت و در حقیقت همین عامل است که نوع تاثیر گذاری و میزان جهت‌دهی تلویزیونی به افکار و سلیق عمومی را در جامعه‌هایی که از منحل سواد عمومی بالاتری برخوردارند را در نسبت با کشورهای که از این لحاظ در وضعیت پایین‌ترین

شناختی خصوصاً عرصه هنر در جانب مردم آن جامعه است. پس با این تفصیلات چنین نتیجه‌گیری منطقی خواهد بود که جوامع تخبه گرتر که از مردمی آگاه و با قدرت تحلیل عمیق‌تر سود می‌برند در حوزه سواد رسانه‌ای در سطحی بالاتر قرار دارند و بالطبع جامعه‌ای همانند ایران که از این لحاظ از فقدان تمدد نخبگان و عدم برخورداری از سطح سواد عمومی بالا رنج می‌برد در سطح نازل‌تری قرار خواهد گرفت. (به عنوان نمونه در تحقیقی که از سوی یکی از اساتید علوم ارتباطات دانشگاه در بین دانشجویان این رشته صورت گرفته بود نزدیک ۹۰ درصد آنان از ذکر نام سه کارگردان خارجی عاجز بودند که این مساله به خوبی بحران و فقدان سواد رسانه‌ای حتی در تخصصی‌ترین حوزه آن را نمایان می‌سازد.) بنابراین در چنین جامعه‌ای رسانه‌ای همانند تلویزیون با گزینه‌هایی به مراتب کمتر از آنچه در جوامع مترقی صرف می‌شود می‌تواند حرکت و سمت‌دهی افکار عمومی را در دست بگیرد و با تکیه بر سیاست‌های پوپولیستی به اهداف مدیران خود دست یابد.

با در نظر داشتن دو پارامتری که بررسی شد اکنون می‌توان به بحث اصلی که میزان تاثیر تلویزیون بر فرایند انتخابات مجلس هفتم بود پرداخت اما قبل از پرداخت به جزئیات مساله، به یک امر مهم و کلی که در بررسی رسانه تلویزیون می‌بایست در ایران مورد تحلیل قرار گیرد می‌پردازیم که موضوعی است منحصر به فرد در حوزه رسانه‌های تصویری در کشورهای مبتنی بر اصول دموکراتیک. در بین جوامع کنونی که به اصول دموکراسی و حقوق و آزادی‌های مدنی پایبندند (و یا شاید چنین وانمود می‌کنند) ایران شاید تنها کشوری است که در آن حق داشتن کانال‌های تلویزیونی انحصاری، تنها در اختیار نهادی خاص است. این عامل باعث شده است عنصر رقابت که پارامتری بسیار تعیین‌کننده در دنیای رسانه‌هاست از گستره رسانه تصویری ایران حذف شود که بسیاری از امتیازات یک‌جانبه‌نگر را برای گروهی خاص به بار آورده است. صدا و سیما انحصاری ایران که از مدیرانی انتصابی سود می‌برد تبدیل به نهادی شده است با افکاری کاملاً خاص و متمایل به یک جناح ویژه که در حقیقت رانتهی بسیار عظیم و غیرقابل تحدید برای آن افراد به حساب می‌آید. بنابراین با در نظر گرفتن این مساله که رسانه تلویزیون در ایران مدیومی انحصاری با مدیرانی



قرار دارند متمایز می‌کند. تحلیل جامع‌تر و مشخص‌تری از این مساله را در بحث مربوط به انتخابات مجلس هفتم در ادامه خواهیم آورد.

۲- سطح سواد رسانه‌ای:

دومین گزینه‌ای که در این مرحله از بحث رسانه‌ها به عنوان عامل مهم در نوع انتخاب و گزینش افراد از رسانه تلویزیون ارایه می‌کنیم پارامتری است که در حوزه ارتباطات و تحت عنوان سواد رسانه‌ای (media literacy) مورد توجه قرار گرفته است. سواد رسانه‌ای را می‌توان با نوعی تسامح‌گرایی رابطه‌ای خطی با سطح سواد عمومی تصور نمود که از جوهری عمیق‌تر و پیچیده‌تر در حوزه مطالعات رسانه‌ای برخوردار است. سطح زیبایی‌شناختی در یک جامعه محصول و معلول عمق دانش بالا و احاطه تئوریک در حیطه مسایل زیبایی

قرار داد که بررسی و تحلیل این موضوع بر مبنای این دو منظر علاوه بر نشان دادن قدرت رسانه‌ها در تطبیق خود با گفتمان‌های غالب جوامع در جهت هدایت افکار عمومی آنها، تفاوت‌ها و تشابهات تاثیر گذاری رسانه‌ها در کشورهای مختلف را نیز نمایان می‌کند.

۱- سطح سواد عمومی جامعه:

مهم‌ترین عاملی که افراد یک جامعه را در مواجهه با رسانه‌ها و در باره رسانه مورد بحث ما تلویزیون، در حالت انتخاب یا انفعال قرار می‌دهد میزان سطح سواد افراد آن جامعه است. برخورداری از سطح آگاهی و شعور بالا (که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران معاصر یک محصول اجتماعی است که در بستر جامعه شکل می‌گیرد) مهم‌ترین پارامتر در تعیین نوع واکنش افراد با رسانه تلویزیون

انتصابی و در راستای تحقق اهدافی جناحی حرکت می‌کند و بنا به قرآعتی خاص از قانون اساسی هیچ نهاد و مرجعی مشروعیت ایجاد رقابت در این عرصه را نیز ندارد تخلیلی ویژه در برخورد و نگرش به آن را می‌تواند که در ادامه با رویکردی دقیق تر به مساله انتخابات مجلس و کارکرد تلویزیون در این مورد نوع ساختمندی قدرت تلویزیون و تاثیر آن را ارزیابی خواهیم کرد.



همان طور که عنوان شد تلویزیون در ایران نهادی غیر خصوصی محسوب می‌گردد که هیچ شخص حقیقی و یا حقوقی در هر سمت و جایگاهی نیز اجازه تاسیس و ایجاد هیچ نوع کانال تلویزیونی (و حتی رادیویی) را ندارد و این حق تنها در انحصار سازمان صدا و سیما می‌باشد. مهم ترین نکته در این بین اطلاق عنوان رسانه ملی به صدا و سیما ایران است که الصاق این عنوان به سازمان صدا و سیما جایگاهی خاص و منحصر به فرد را به آن می‌بخشد و تصویری ویژه از وظایف آن را در اذهان عمومی پدیدار می‌سازد. تصویری که عملاً در عالم واقعیت در این سال‌های اخیر هرگز واقع نشده است و انحصاری و انتصابی بودن ارکان آن به خاطر نوع گزینش مدیرانش از هر پاسخگویی و نقدی نیز مبرا شده و آن را در جایگاهی با نگرش خاص جناحی قرار داده و آن را در مقام عمل از "ملی بودن" خارج ساخته است.

اوج تبلور این مساله در این چندین سال اخیر با بایکوت خبری عجیب و غیر قابل تصور تحصن گسترده نمایندگان مجلس در اعتراض به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای نمایندگی مجلس هفتم اتفاق افتاد. در حالی که خبر این تحصن تبدیل به تیترا اصلی همه جراید و سایت‌ها و خبرگزاری‌های جهان شده بود رادیو و تلویزیون ایران

که به خاطر دارا بودن عنوان رسانه ملی موظف بود بزرگ‌ترین و ملی‌ترین رویداد سیاسی کشور را به صورت کامل و دقیق منعکس کند اقدام به حذف کامل اخبار و رویدادهای این حادثه بی‌نظیر (حناقل از لحاظ کمی) در طول تاریخ پارلمان ایران کرد. مساله بسیار اساسی که در طول این جریانات پدید آمد و حتی از دید تحلیل‌گران و تئورسین‌های جناح اصلاح طلب نیز دور ماند تاثیر بی‌سابقه بود که این بایکوت خبری بر جریان شکل‌گیری رفتار و انتخاب عامه مردم داشت چرا که در فضایی که مردم از شور و اشتیاق گرایش به مطبوعات فاصله گرفته بودند و جراید نوشتاری نیز دیگر آن قدرت و اقبال سال‌های نخستین جریان اصلاحات را نداشتند و حتی دو روزنامه منتسب به جریان اصلاح طلبی نیز مستحاطانه و گزینشی عمل می‌کردند (و بالاخره نیز قربانی بی‌تابی ساختار قدرت شدند) صدا و سیما با توجه به گستردگی پوشش خود توانست به صورت دقیق و از پیش برنامه‌ریزی شده هدایت افکار عمومی را در جهت تحقق اهداف مورد نظر خود در دست بگیرد و در نهایت نیز توانستند با انسجام گروهی شکل‌های جناح منتقد اصلاحات به اهداف مورد نظر خود دست یابند. اما این که چگونه تلویزیون توانست چنین رهبری و هدایتی را انجام دهد و به چه دلایلی چنین سیاستی در جامعه کنونی ایران جواب داد پرسشی اساسی و بنیادین است که پاسخ به آن بسیاری از ابهامات و سر درگمی‌های جامعه ایران را بازگشایی خواهد کرد و نیازها و شاخص‌هایی را که جامعه فعلی ایران برای حرکت در مسیر اصلاح و پیشرفت بدان نیازمند است را نشان خواهد داد. برای دستیابی به پاسخ این پرسش بسیار مهم لازم است که بعضی از واقعیات جامعه کنونی ایران بسیار شفاف و بی‌پرده عنوان گردد و به دور از بعضی گرایش‌های پوپولیستی و عامیانه حقایق اجتماع ایران واکاوی گردد هر چند این حقایق تلخ و گزنده باشد و یا به مذاق عده‌ای ناخوش آید. بنابه امار معتبر سازمان ملل بالای ۲۲ درصد جمعیت ایران بی‌سواد مطلق هستند. شاخص‌های تحصیل و مدرک دانشگاهی در نسبت با کشورهای

توسعه یافته بسیار پایین است. سرانه مطالعاتی ایرانیان بسیار کمتر از استاندارد جهانی است (حاکمتر سه دقیقه در روز). سواد رسانه‌ای همان طور که عنوان شد از وضعیت بسیار اسف‌باری برخوردار است. نوع استفاده از ابزار اطلاعاتی و تحقیقاتی مدرن خصوصاً اینترنت بسیار نازل و در حد اتاق‌های chat room ارزیابی می‌شود. تیراژ و گستره تنوع مطبوعات بسیار آزار دهنده و سطح تولید اطلاعات در مقایسه با استاندارد جهانی فوق‌العاده ناامیدکننده است.

بنابر این مجموعه این عوامل پارامترهایی هستند که در نهایت سیستمی را می‌آفریند که از منظر تحلیل‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی جایگاهی قابل‌تامل را به جامعه ایران می‌بخشد و آن را در موقعیتی خاص و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. موقعیتی که مجموعه متغیران حاکم بر نهاد صدا و سیما نهایت استفاده را از آن بردند و با بکارگیری تمامی ابزارهای موجود و مورد نیاز خود در تولید انواع برنامه‌ها جریان افکار عمومی را به سمت اهداف مورد خواست خود هدایت کردند. در این میان اگر از بایکوت عمومی خبرت انگیز تحصن نمایندگان بگنزم مجموعه برنامه‌های بسیاری نیز از چند ماه مانده به انتخابات تولید گزینشی و پخش شدند که کارکردی کاملاً مشخص و راستایی از پیش تعیین شده داشتند.

پخش مجدد سریال سفارشی و دست‌نشانگن کیف انگلیسی که با ظهور قرار دادن برنامه‌های خاص از دوره پهلوی سعی در بررسی روند اصلاح طلبی در ایران را داشت و با دستمایه قرار دادن زندگی یک جوان تحصیلکرده فرنگ (منصور پیرایش) به عنوان تجسم اصلاحات که از پرستیز روشنفکری نیز برخوردار بود تلاشی وافر در به تصویر کشیدن زوال و تباهی و انحراف او را در نظر داشت. (در حالی که تمامی این جریانات روایی و تم عاشقانه سریال زاینده و پردازش شده سریع‌السير ذهن کارگردانش بود و هیچ سندیت تاریخی از آن قابل ارایه نیست) و در نهایت نیز در قسمت آخر با نشان دادن اضمحلال و از خود بیگانگی منصور پیرایش در نماد اصلاح طلبی تاوان سنگین اعتماد به اصلاح‌طلبان را گوشزد ساخت. جالب‌ترین نکته در پخش مجدد این سریال مصادف شدن بخش قسمت آخر آن با هفته منتهی به انتخابات بود که با توجه به نوع فیلمنامه و پایان تراژیک و سرنوشت شوم اصلاحات در آن نشانگر عزم جزم مدیران نهاد صدا

**بنا به آمار معتبر سازمان ملل
بالای ۲۲ درصد جمعیت ایران
بی‌سواد مطلق هستند**

**عمق گذاری رسانه ها به
اندازه ای وسعت یافته که حتی
می توان رسانه ها را به عنوان
یکی از بانیان اصلی جریان
پست مدرن معرفی کرد**

اصلاح طلب بود که به نظر می رسد هنوز نیز از قدرت و عمق تاثیر گذاری آن بی اطلاع هستند آن چنان که می پندارند می توان از راهها و ابزارهای دیگر اثرات پر دامنه و پر نفوذ تلویزیون را کنترل کرد.

به هر حال اکنون و در حالی که کلیت ایران دچار دگرگونی شده است و خواست های مدیران صدا و سیما نیز به تمامیت حصول شده تصور می شود سیاست ها و روش های عوام پسندانه نیز شکلی جدیدتر به خود بگیرد و در راستای هدایت شود که مردم را از اعتماد دو باره به اصلاح طلبان باز دارد و جنبش اصلاح طلبی را به عنوان حرکتی ضد دین و خلاف مصالح ملی معرفی نماید.

به نظر می رسد با توجه به موقعیت کنونی جناح اصلاح طلب که دچار یک رکود و رخوت عمیق شده است علاقه مندان پایبند و امینوار به آرمان های اصلاح طلبی حداقل می بایست با امکاناتی که در اختیار دارند در جهت افزایش سطح آگاهی و سلیقه مردم تلاش کنند تا با افزایش افق دید و گستره عمومی مردم حداقل امکان کنش های خردستیز و بازدارنده جناح اقتدارگرا در پوشش های رسانه ای در تنگنا قرار گیرد.

کردن مسأله امنیت ملی و حضور مردم در انتخابات پیش گرفت. القای این ذهنیت که عدم شرکت مردم در انتخابات باعث ناامنی و بی ثباتی است و امنیت کشور را تهدید می کند و حضور مردم در این دوره (به هر شکل و به هر جایی) باعث تضمین امنیت و مشروعیت حکومت ایران خواهد شد. مهم ترین و کارسازترین حربه ای بود که نهایتا نیز همان گونه که پیشرانان این سیاست پیش بینی کرده بودند به نتیجه انجامید. نتیجه ای که قبل از انتخابات با حذف کامل یکی از طرف های رقابت کاملاً مشخص شده بود و تنها می بایست حضور بی تاثیر مردم که تنها ترتیب مهره های جناح اقلیت مجلس ششم را برای تصاحب اکثریت مجلس هفتم گزینش می کردند به وقوع می پیوست که سیاست ها و نوع گزینش و تولید برنامه های سیما که مهم ترین ابزار تاثیر گذار در اختیار جناح محافظه کار بود این خواسته را نیز به نحو احسن جامه عمل پوشانید.

اما در کنار همه بی عدالتی ها و ناروایی هایی که صاحب منصبان جناح محافظه کار و در راس آنها رادیو و تلویزیون در ایام انتخابات انجام دادند نکته مهمی که در تعیین سرنوشت انتخابات تاثیر گذار بود بی توجهی و کم اهمیت شمردن نقش تلویزیون در جهت دهی افکار عمومی در ایران در نزد تئوریسین های جناح

و سیما برای جهت دهی به افکار عمومی و نهی از منکر مردم در مناسبت انتخابات بود. جالب است که بسیاری از فیلم ها و سریال های دیگر که بازگراش پوشش و آرایشی بسیار متعارف تر از عوامل این سریال داشتند به جرم ترویج ابتلال به محتای اتهام دچار شمعاند در حالی که در این مجموعه بسیاری از خطوط قرمز رایج در نظام ایران نظیر صحنه های مصرف تریاک به صورت علنی و چنین باره پخش می شد تا ثابت شود هر جا که لازم باشد در ساختار حاکمیت ایران هدف وسیله را توجیه خواهد کرد.

پخش برنامه هایی که تا قبل از آن زمین گداز ناپخشودنی محسوب می شدند برای افزایش بار احساساتی و تحریک و تهییج مردم از دیگر اقدامات پوپولیستی سیاست گذاران تلویزیون ایران بود که در این راه نیز از هیچ روشی فروگذار نکردند.

پخش ترانه هایی نظیر "یار دبستانی من" که یک آهنگ دانشجویی و مترادف آوبویسیون قلمداد می شود و یا پخش آهنگ ممنوعه "دو باره می سازمت وطن" در آن ایام خصلت و ماهیت برنامه ریزان پخش تلویزیونی و قدرت بی مهار و غیر قابل تحدید آنها را که تنها قدرت خود را عامل و علت مشروعیت می دانند را عیان ساخت ضمن این که بیانگر وقوف کامل آنها به قدرت تاثیر گذاری تلویزیون و استفاده سنجیده و برنامه ریزی دقیق برای بهره برداری از امکانات این رسانه انحصاری را آشکار ساخت. گستره این اقدامات و بهره گیری از تمامی امکانات در راستای امر به شرکت در انتخابات که در این دوره هدف اولی لقب گرفته بود تا به حدی چشمگیر و حایز اهمیت شده بود که معروف ترین لومپن ساز تلویزیون نیز از هجمه آن مصون نماند و کارگردان هجوساز محبوب تلویزیون نیز در آن بچیوجه به خوبی دین خود را به ولی نعمتان خود ادا نمود. پخش یک جالبه و ناجوانمردانه اقدامات یکی از دو طرف رقابت در انتخابات که باعث تلقین حس حق طلبی و راستگویی برای آن طرف می شد و حذف کامل و سانسور بی سابقه اقدامات جناح دیگر که همزاد اصلاحات محسوب می شد بی رحمانه ترین و علنی ترین رفتاری بود که در روزهای آخر مانده به انتخابات در اولویت کاری مدیران تلویزیون قرار گرفته بود. اما بی تردید اصلی ترین عاملی که باعث ازدیاد آرای مجلس هفتم گردید (البته تنها در مقایسه با انتخابات شوراها و نه در مقایسه با دوره قبلی انتخابات مجلس) نقشی بود که تلویزیون در همسو

((سلسله نوارهای))

**تحلیلی از واقعه کریلا + اربعین + عاشورا و عزت +
عناصر فراهقی حرکت امام حسین +
حسین ابن علی و مولانا**

عبد الکریم سروش

و

نوار ویژه

اعتدال دینی بازرگان

اثر خارج از کشور ۸۳/۱۱/۱۶

انتشارات صراط : میدان انقلاب ، خیابان ۱۶ آذر ،

کوچه بهنام ، پلاک ۲۶

تلفن : ۶۴۱۹۸۰۸